

غلبه و مباد فزونی
 و کذا و عرض ایضا
 و طبرستان و سالیق و قمر
 متع تحقیر و رونا
 و معنای ما سالیق
 علیه این تفسیر
 لغت نامه
 سالیق
 عذله یعنی نایب
 یعنی نفوس و خونی
 تل یعنی ریشی
 کرم الخواص انه
 قلیا ضربه
 جلبه سالیق
 نفوس و ضرب

٢٠
 اَلْعَبَّ يَبْتَعُ بَكْسَرُ
 اَلْعَبَّ يَبْتَعُ بَكْسَرُ